

۱۰۸
برسکات

بسم الله الرحمن الرحيم

www.Ketab.ir

تقدیم به:

روح پدر و برادرم

و تمام کسانی که در راه انسانیت، عشق و اخلاق انسانی

گام برمی دارند

سود حاصل از فروش این کتاب تقدیم می شود به:

مؤسسه پویش مهر دعاوند؛

مدرسه استثنایی شهید طهماسب جیلارد؛

مجمع نقش آفرینان توسعه فردا

سوره بقره؛ آیه ۲۱۳

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحَقَّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَعْضٌ مِنْهُمُ الْهَادِى وَاللَّهُ يَهْدِى الْأُمَّةَ أَمْثَلًا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْعَقْلِ عَنِ اللَّهِ يَهْدِى مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و صفت پیدا آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد بالایمان، در آن اختلاف نکردند؛ تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه های روشن به آنها رسید، بود. به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند آنها را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خود راهنمایی نمود. (اما افراد بی ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند.

سرشناسه: سیدآبادی، محمد، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور: بحران / نویسنده محمد سیدآبادی؛ شاعر امین قلیخانی.
مشخصات نشر: قم: فرشتگان فردا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۲۳-۷۷-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: راه و رسم زندگی
موضوع: Conduct of life
موضوع: راه و رسم زندگی (اسلام)
موضوع: Conduct of life -- *Religious aspects -- Islam
نسخه افزوده: قلی‌خانی، امین، ۱۳۶۶ -
رده‌بندی: کنگره: ۱۳۹۷ س۳/۹۷۸/۲۵۸
ردیف: ۷۲/۲۹۷
ماره ثبت: ۵۳۱۲۷۲۴



بُحْرَان

نویسنده: محمد سیدآبادی

شعر: امین قلی‌خانی

ناشر: فرشتگان فردا

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب

نوبت و سال چاپ: اول، ۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۲۳-۷۷-۶

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱۷۶۳۳۲۷۳۰ - ۰۹۱۲۷۵۱۱۲۴۵

حق چاپ محفوظ

بُحران

نویسنده: محمد سید آبادی

شعر از: امین قلی خانی

سخن با خوانندگان

سخن را از اینجا آغاز می‌کنم که یک اشتباه در مسیر، باعث عوض شدن مقصد ما می‌شود. هرگاه انسان بنا به شرایط و اقتضائات، مسیر انسانی خود را هم کند سر از بیراهه درمی‌آورد. گاهی یک تلنگر لازم است تا آری به خودش بیاید و گاهی هم با صحبت مستقیم و در بعضی مواقع با زور.

یک لیوان به عنوان یک ظرف می‌تواند دهانه هر چیزی باشد؛ می‌تواند ظرفی پر از آب زلال و خنک از یک چشم باشد و هم می‌تواند ظرفی باشد پر از آب لجن از یک مرداب. این شما هستید که تصمیم می‌گیرید در این ظرف چه قرار دهید.

حال اگر جسم انسان را به عنوان ظرفی در نظر بگیریم که خداوند برای خلقت آن به خود تبریک گفته و به عنوان امانت نزد ماست، ما درون این ظرف از چه چیزی نگهداری می‌کنیم؟ آیا آب

زالال انسانیت و آدمیت است یا افکار متعفن مردابها را؟!۱

این کالبد (ظرفی) که چند صباحی به امانت نزد ماست در این مدت کوتاه زندگی که یک فرصت کوتاه، یکباره و تکرار ناپذیر است، با چه چیزی پُر خواهد شد؟ و نام آن ظرف را چه خواهیم گذاشت؟

مطامئن باشید هرآنچه درون ظرف است به فرزندان ما نیز انتقال داده خواهد شد؛ به تعبیری فرزندان ما چیزی می‌شوند که ما هستیم نه آن چیزی که دوست داریم بشوند. سعی کنیم محتویات ظرف خود را خوب و انسان‌وار کنیم تا فرزندان سالم و صالح نصیبمان شود. همه در تلاشند تا فرزندان تحصیل کرده و دانشمند، دکتر، مهندس و ... تربیت کنند! این خوب است اما چیزی که قبل از آن لازم است باید ظرف وجودی‌شان را پُر از انسانیت کنیم زیرا می‌شود که دانشمندی فاسد شر، دکتري، روشهای شکنجه را طراحی کند، مهندس هم شکنجه‌گر، می‌شود ولی انسانیت، مانع از تمامی این فسادها می‌شود.

انسانهای خردمند و فرهیخته نام این کالبد (ظرف) را انسان می‌گذارند که لبریز از عشق و شفقت است و انسانهایی که با بودجه این مردم شیر خشک فاسد، داروهای تاریخ مصرف گذشته و ...

وارد می‌کنند و کسانی که پُست مدیریتی و کارمندی دارند و در این پستها در راستای منافع شخصی خود استفاده می‌کنند و کسانی که بودجه مملکت را با عناوین مختلف به غارت می‌برند و کارگری که در کار خود، کم‌کاری می‌کند و ... اینها نام این کالبد (ظرف) را که لبریز از رفتارها و کردار ناشایسته و غیر انسانی است را چه خواهند گذاشت؟! آنان با رفتار ناشایست خود اول درون خود را زشت و ناپاک کرد، و بعد محیط جامعه را نیز آلوده می‌کنند. فقط کافی است کمی منصف باشیم و پیش خود و وجدان خود نامی برای آن ظرف (کالبد) انتخاب کنید و شما نام آن را چه می‌گذارید؟

امیدوارم که مطالب این کتاب، تلنگری هرچند کوچک و حتی برای یک‌نفر، فقط یک‌نفر باشد.

کتاب همانند ظرف عسلی می‌ماند که سطر است تا خواننده آن، کام خود را به مقدار ظرفیت و درکش از محاسبات، آن شیرین کند؛ هر انسانی که با جان و دل از شیرینی این عسل نوش کند با چشیدنش، عطر و بوی خوش آن برای همیشه همراهش خواهد بود.

کتاب‌ها به غیر از طعم شیرین، یک رسالت والای آگاهی را

نیز با خود دارند. اگر یک جمله در کتاب فقط بر روی یک نفر
اثرگذار باشد و مسیر زندگی یک نفر را هم بهبود ببخشد رسالت
خود را انجام داده است.

در پایان از شاعر ارجمند جناب آقای امین قلی‌خانی که
حمت اشعار این کتاب را متحمل شدند تشکر و قدردانی می‌شود.
امیدوارم با هم این کتاب ذائقه شما را شیرین کند.

www.Ketab.ir

پیش‌گفتار

کتاب پیش روی شما حاوی مطالبی است که دغدغه‌های فکری و اجتماعی من است و تمام سعی خود را می‌کنم تا کاری انجام دهم، حتی یک قدم و شاید یک کلام کوتاه، اما این کار را خواهم کرد. همه‌ی تلاش من این است که زندگی‌ام در زمان سفر آخرت، بهتر از چیزی باشد که در زمان تولدم به من داده شد است.

زندگی امروزه برای انسانها بار گرانی شده، عده‌ای دانسته خودکشی می‌کنند و عده‌ای هم ندانسته دست به خودکشی

تدریجی می‌زنند؛ بسیاری از مردم احساس تنهایی و دلتنگی می‌کنند و زندگی همچون بار سنگینی بر دلهایشان نشسته است و نیروی آنها را می‌کاهد و شاید به این خاطر است که بیماریهای قلبی، عصبی و روانی رو به افزایش است.

ما احساس تنهایی می‌کنیم، گویی که گمشده‌ای داریم و اکثراً در نرس و اضطراب به سر می‌بریم زیرا رشته توکل را گم کرده‌ایم! هر چقدر ارتباط خود با خداوند را کمتر کنیم، نگرانی‌های بیشتری را وارد دنیای خود می‌کنیم؛ به راحتی این فاصله قابل مشاهده است. باید این را درک کنیم و ایمان داشته باشیم و فهم بهتری از خداوند داشته باشیم و بدانیم که روی زمین موجودات بیگانه‌ای نیستیم و دست غیبی هست که همیشه در مواقع لازم آماده است تا ما را به جهت درست هدایت کند. آن وقت می‌توانیم بدون اضطراب و نگرانی و با آرامش زندگی کنیم.

ما موجودات خاکی نیستیم که به بهشت می‌رویم، بلکه موجودات بهشتی هستیم که از خاک سر بر آورده‌ایم (اسرار تنهایی قمشه‌ای).